


رابطه عدالت ادراک شده و بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار (مطالعه موردی: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و علامه طباطبایی در سال ۱۴۰۱)

جواد علایی اورگانی 

گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده	مشخصات مقاله
در حوزه سیاست‌گذاری، یکی از مهم‌ترین کارکردهای نظام سیاسی، توزیع منابع است. شیوه و بازخورد این کارکرد نشان‌دهنده کارآمدی هر نظامی در سامان‌دادن به محیط داخلی و خارجی آن است. بعد از انقلاب، دولت سعی کرد با اجرای سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی، با هدف تأمین عدالت در جامعه، از میزان شکاف طبقاتی بکاهد. بررسی داده‌های آماری نشان می‌دهد که این سیاست‌ها چندان موفقیت‌آمیز نبوده است و بر شکاف طبقاتی، به‌ویژه در سال‌های اخیر، افزوده شده است. در این تحقیق، به دنبال پاسخ به این پرسش بوده‌ایم که دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و علامه طباطبایی از نتایج این سیاست‌ها چه ادراکی دارند و چه رابطه‌ای میان ادراک آنان و بی تفاوتی سیاسی وجود دارد. حجم نمونه ۳۸۳ نفر از جامعه آماری دانشجویان این سه دانشگاه انتخاب شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. فرضیه تحقیق بر این مدعا استوار است که بین احساس بی‌عدالتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی از سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی و انفعال و بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار رابطه معناداری وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد ادراک دانشجویان از وضعیت توزیع و بازتوزیع بعد از انقلاب ناعادلانه است و سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی را ناکارآمد تلقی می‌کنند. از این رو، بخش زیادی از دانشجویان در بعد رفتاری- از جمله شرکت در انتخابات، حمایت از جناح سیاسی، راهپیمایی و اعتراض- به بی تفاوتی سیاسی دچار شده‌اند.	مقاله پژوهشی موضوع: میان‌رشته‌ای حوزه موضوعی: ایران تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷
	واژگان کلیدی: بازتوزیع، بی تفاوتی سیاسی، توزیع، جمهوری اسلامی ایران، دانشجویان تحصیلات تکمیلی.

ارجاع به این مقاله: علایی اورگانی ج. (۱۴۰۳). «رابطه عدالت ادراک شده و بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار (مطالعه موردی: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و علامه طباطبایی در سال ۱۴۰۱)». *مطالعات کشورها*. ۲(۴): ۶۲۵-۶۴۵. doi: <https://doi.org/10.22059/JCOUNTST.2024.375261.1125>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir

شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰
 ناشر: دانشگاه تهران

۱. مقدمه

توزیع منابع و امکانات در هر جامعه‌ای از چنان اهمیتی برخوردار است که در اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی، محققان به گونه‌شناسی نظام‌های توزیعی و بازتوزیعی مبادرت کرده‌اند. این مسئله چنان مورد توجه اندیشمندان بوده است که دیوید ایستون^۱ در تعریف سیاست، آن را توزیع آمرانه ارزش‌ها می‌داند (عالم، ۱۳۹۴: ۲۳). آلموند و مونت (۱۳۸۱: ۵۵) در تعیین کارکردهای نظام سیاسی، کارکرد توزیع را از جمله بایسته‌های کارکردی نظام در نظر می‌گیرند و از نشانه‌های کارآمدبودن نظام را کارکرد درست سیاست‌های توزیعی آن می‌دانند.

در جمهوری اسلامی ایران، بعد از پیروزی انقلاب، با هدف رفع نابرابری و برقراری عدالت اقتصادی-اجتماعی، تدوین و اجرای سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی در دستور کار قرار گرفت. سیاست‌های توزیعی بعد از انقلاب در راستای بهبود وضعیت بهداشت، آموزش، حمل‌ونقل و نظایر آن بوده است. هر اقدامی در این راستا در سراسر کشور سیاست توزیعی محسوب می‌شود.

یکی از سیاست‌های توزیعی، سیاست پرداخت یارانه است در قالب پرداخت مستقیم بخشی از بهای کالاها و خدمات اساسی؛ همچنین کنترل قیمت حامل‌های انرژی با هدف حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، توزیع عادلانه درآمد، تثبیت قیمت‌ها و حمایت از تولید (زیرک، ۱۳۹۲: ۲). از دیگر سیاست‌های توزیعی برای کاهش میزان شکاف اقتصادی و بهبود وضعیت معیشت دهک‌های بالا، تخصیص سهام عدالت در دولت نهم بود. طرح مسکن مهر در دولت نهم و در ادامه، طرح ملی مسکن در دولت دوازدهم از جمله طرح‌هایی بود که در زمینه مسکن برای بهبود وضعیت خانوارهای فاقد مسکن اجرا شد. توزیع سبد حمایتی خانوار نیز یکی از سیاست‌های توزیعی بود که دولت یازدهم در حمایت از اقشار ضعیف جامعه اجرایی کرد.

نخستین اقدام‌های بازتوزیعی بعد از انقلاب اسلامی، به مصادره اموال خاندان پهلوی و عوامل نزدیک به آن‌ها مربوط می‌شود. براساس این دستور، اموال غیرمنقول برای برطرف کردن نیاز نیازمندان صرف شد و اموال منقول به نام رهبر انقلاب یا شورای انقلاب به ثبت رسید. عمده‌ترین اقدام‌های بازتوزیعی از بالا به لویحی مربوط می‌شد که شورای انقلاب و سپس دولت آن را مطرح کردند. این لویح ماهیت بازتوزیعی قابل توجهی داشت و عموماً متضمن منافع طبقات

1. David Easton

فرو دست بود. نخستین اقدام از این نوع، لایحه ملی کردن اراضی شهری بود. طبق برآورد، در ابتدای انقلاب، با حدود ۳۷ میلیون جمعیت، ۳ میلیون واحد مسکونی کمبود وجود داشت (Kiafar, 1992: 236). در ادامه این اقدامها بود که شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ش، قوانینی را برای ابطال مالکیت اراضی موات شهری تصویب کرد (مدنی، ۱۳۶۶: ۱۹۰).

دومین لایحه بازتوزیعی، لایحه اصلاحات ارضی بود. این لایحه هم از چند لحاظ اهمیت دارد. این لایحه، در واقع، وجه بازتوزیعی زیادی نداشت و بیشتر توزیع اراضی بایر و زمینهای کشاورزی متعلق به خاندان پهلوی و وابستگان آن را شامل می شد که پیش تر، براساس دستور شورای انقلاب صادره شده بود (حاتمی، ۱۳۸۹: ۷۵).

اقدام بازتوزیعی بعدی، لایحه تأمین و توزیع کالا بود. این لایحه زمانی در مجلس به تصویب رسید که تأثیرات اقتصاد جنگی در کشور نمود پیدا کرد. همچنین، نقش عوامل توزیعی را خارج از سازوکار بازار، در ماههای قبل از انقلاب مساجد عهده دار شده بودند. بر پایه بررسی انجام شده، پس از انقلاب در تهران، ۴۶۰ تعاونی مصرف اسلامی ایجاد شد و تعداد آنها تا سال ۱۳۶۱ش، در کل کشور به ۱۲۳۸۷ تعاونی رسید. این تعاونیهای مصرف، تا سال ۱۳۶۱ش در حدود ۶/۵ میلیون عضو داشت. تا سال ۱۳۶۱ش، در سراسر کشور ۱۲۳۸۷ تعاونی شکل گرفت (Moaddel, 1991: 325). هدف این تعاونیها توزیع کالاهایی اساسی مانند شکر، گوشت و روغن، بر اساس نظام سهمیه بندی با هدف بهبود مسئله توزیع کالا در کشور بود.

پیش از پرداختن به رابطه میان سیاستهای توزیعی - بازتوزیعی و بی تفاوتی سیاسی، باید این نکته را متذکر شد که صحت این مدعا که در همه جوامع رابطه مستقیمی میان فرایندهای توزیعی - بازتوزیعی و بی تفاوتی سیاسی وجود دارد، با تردید همراه است و گاه چگونگی این فرایندها تأثیری بر کنش افراد ندارد (به طور مثال، در کشورهایی که ایدئولوژی آرمانگرا یا نوعی فرهنگ قومی-قبیله ای قوی و عمیق موجب پیوند افراد می شود و هدایتگر آنها در عرصه اجتماع است، نقش مسائل اقتصادی چندان اهمیتی ندارد) (Walker, 2022؛ زائری تمبکی و همکاران: ۱۳۹۹) بر اساس نگرش سیستمی آلموند و مونت (۱۳۸۱)، در صورتی که فرایند توزیع به خوبی صورت گیرد، در فراگرد بازخوردی شاهد حمایت از نظام خواهیم بود؛ اما، در صورتی که فرایند توزیع به خوبی صورت نگیرد، شاهد کاهش حمایت

نمادین از نظام سیاسی یا رخدادهای سیاسی مانند اعتراض، شورش و یا انقلاب خواهیم بود.

به طور کلی، اگر تأثیر موفقیت یا عدم موفقیت این سیاست‌ها را بر کنش سیاسی افراد در پیوستاری در نظر بگیریم، منتهی‌الیه یک طیف، حمایت جدی و آشکار از نظام سیاسی است و در منتهی‌الیه دیگر طیف، اعتراض و انقلاب است. در میانه این دو طیف نیز حمایت یا عدم حمایت از نظام به صورت معتدل رخ می‌دهد که یا در قالب رأی دادن و یا نقد بر نظام و بی تفاوتی اجتماعی و سیاسی رخ می‌دهد. گرچه وضعیت خروجی سیاست‌های توزیعی - بازتوزیعی در بعد عینی بر اساس آمار و شاخص رصدپذیر است، ادراک و برداشت ذهنی افراد از نتایج این سیاست‌ها بسیار مهم است. گاه، سیاست‌ها در عمل چندان موفقیت‌آمیز نبوده است، اما در ذهن افراد برداشت عادلانه و رضایت‌مندانهای درباره این فرایند و نتایج حاصل از آن وجود دارد. با این حال، گاه براساس شاخص‌های عینی و آمار، نظام سیاسی از منظر توزیع و بازتوزیع امکانات جایگاه مناسبی دارد، ولی مردم در آن کشور به شدت احساس بی‌عدالتی می‌کنند. البته، باید گفت وجود احساس عدالت یا بی‌عدالتی به طور کلی و مطلق نیست؛ بلکه نسبی است و از یک حوزه با حوزه‌های دیگر متفاوت است. بنابراین، برای پی بردن به این نکته که آیا سیاست‌ها نتایج مطلوبی داشته است و چه رابطه‌ای با بی‌تفاوتی سیاسی در آن جامعه دارد، باید علاوه بر توجه به داده‌های آماری، به برداشت و ادراکی توجه کنیم که افراد از آن‌ها دارند و اینکه این مسئله با متغیر میانجی عدالت ادراک شده تبیین و توصیف‌پذیر باشد.

محقق بر این باور است که رشد بی‌عدالتی در جامعه و ناکارآمدی نظام در رفع این مشکل، به تعمیق بی‌تفاوتی سیاسی منجر شده است و افراد علاوه بر اینکه در حوزه مشارکت مسالمت‌آمیز و قانونی بی‌تفاوت می‌شوند و رغبت خود را برای حضور در عرصه سیاسی از دست می‌دهند، در بخش کنش‌های رادیکال نیز دچار بی‌تفاوتی می‌شوند. از این رو، دیگر وارد فضای اعتراضی نخواهند شد. نگارنده بر این باور است کاهش مشارکت سیاسی و افزایش بی‌تفاوتی سیاسی در کوتاه‌مدت نظام سیاسی را در بُعد مشروعیت و نفوذ با مشکلات و بحران‌هایی روبه‌رو خواهد کرد و در بلندمدت احتمال دارد فروپاشی ساختار سیاسی رخ دهد.

مسعودنیا (۱۳۸۰) وجود تفاوت‌ها در مزایای اقتصادی-اجتماعی را موجب تفاوت در مشارکت می‌داند. از طرف دیگر، میان میزان برخوردارگی و مشارکت و

بی تفاوتی آن‌ها هم‌بستگی وجود دارد. وی در تبیین مسائل روان‌شناختی به عواملی چون احساس کارآمدی، اثرگذاری، عزت‌نفس و احساس قدرت می‌پردازد. از نظر وی از بعد اقتصادی، نفع اقتصادی کنشگران در جامعه ممکن است عامل بی تفاوتی باشد؛ به این معنا که عدم‌دستیابی عینی یا ذهنی آن‌ها به سود یا قدرت اقتصادی ممکن است به بی تفاوتی آن‌ها در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی منجر شود.

رضایی و همکاران (۱۴۰۰) به این نتیجه رسیدند که با کاهش احساس عدالت از توزیع امکانات میزان مشارکت افراد کاهش پیدا می‌کند و افراد دچار نوعی بی تفاوتی سیاسی می‌شوند.

رحیمی‌خواه (۱۳۹۲) به این نتیجه رسیده است که از میان عوامل بررسی‌شده، مشکلات اقتصادی و احساس عدم‌اثربخشی سیاسی از مهم‌ترین عوامل بی تفاوتی سیاسی در بین افراد مطالعه‌شده بوده است.

با وجود اینکه در تحقیقاتی که به‌طور محدود در ایران دربارهٔ مسئله رابطهٔ اقتصاد با بی تفاوتی سیاسی و مشارکت سیاسی صورت گرفته است صرفاً این نتیجه به‌دست آمد که متغیر اقتصادی بر مشارکت سیاسی و بی تفاوتی سیاسی مؤثر است و از شدت آن چندان بحث نشده است. آنچه باعث اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق شده است این است که برخلاف نظام‌های سیاسی سنتی و پیشامدرن که در آن‌ها مشارکت یا بی تفاوتی سیاسی اهمیت نداشت یا در پایین‌ترین و نازل‌ترین سطح صورت می‌گرفت، در نظام‌های سیاسی مدرن مشارکت سیاسی افراد در فراگردهای سیاسی یکی از عوامل مهمی است که باعث تقویت و حمایت از نظام سیاسی می‌شود. در مقابل، بی تفاوتی سیاسی شهروندان بحران‌هایی را برای نظام سیاسی موجب می‌شود. کاهش مشارکت سیاسی و افزایش بی تفاوتی سیاسی در کوتاه‌مدت نظام سیاسی را در بُعد مشروعیت و نفوذ با مشکلات و بحران‌هایی روبه‌رو خواهد کرد. در بلندمدت احتمال دارد فروپاشی ساختار سیاسی پدید آید.

در این پژوهش تلاش شده است این مسئله بررسی شود که آیا رابطه‌ای بین عدالت ادراک‌شده از نتایج سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی و مشارکت سیاسی و رشد بی تفاوتی سیاسی وجود دارد یا باید علل اصلی کاهش مشارکت و رشد بی تفاوتی سیاسی را در جای دیگری جستجو کرد. از این‌رو، در این پژوهش هدف پاسخ‌دادن به این سؤال است: میان عدالت ادراک‌شده دانشجویان تحصیلات

تکمیلی دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و علامه طباطبایی از نتایج سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی و بی تفاوتی سیاسی آن‌ها در سطح رفتار چه رابطه‌ای وجود دارد؟

در ادامه، نخست ملاحظه‌های مفهومی و نظری بیان شده است. سپس، در بخش روش‌شناسی، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری، ابزار گردآوری داده‌ها و روش تحقیق و در بخش ۵، یافته‌های تحقیق بیان شده است.

۲. ملاحظه‌های مفهومی و نظری

۲.۱. عدالت ادراک شده

ادراک فرایندی است که طی آن افراد داده‌ها را از محیط دریافت می‌کنند، برخی را گزینش، سازماندهی و تفسیر می‌کنند و بدین ترتیب، به کلیت پیرامون خود نظم و مفهوم می‌بخشند. عدالت ادراک شده فرایندی است که در آن افراد داده‌های اقتصادی موجود در جامعه و بیان‌کننده وضعیت خود آن‌ها و دیگران را در جامعه، تحلیل و تجزیه می‌کنند و بر اساس ارزیابی حسی از این داده‌ها، احساس عدالت یا بی‌عدالتی می‌کنند. به اعتقاد گرینبرگ و کولکوئیت (۲۰۰۵)، عدالت ادراک شده به ادراک فرد از حد منصفانه بودن بازده‌ها و پاداش‌ها بازمی‌گردد (به نقل از نصیری و لیک‌بنی و بهشتی‌راد، ۱۳۹۳: ۱۷۵). بر اساس احساس عدالت یا بی‌عدالتی می‌توان به تأثیر و تبعات سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی در جامعه پی برد. چنانچه برداشت افراد این باشد که با آن‌ها عادلانه رفتار شده است بیشتر به رفتارهای مثبت می‌پردازند و رفتارهای فرانقشی مثبتی بروز می‌دهند. از این رو، عدالت ادراک شده اجتماعی ممکن است بر رفتارهای شهروندی مانند انگیزش و رضایت شهروندی در اجتماع تأثیر بگذارد (Al-Zu'bi, 2010: 75). ادراک افراد از عدالت ناشی از نیاز طبیعی آن‌هاست. افراد نیازهای مختلفی دارند که از طریق تعامل با دیگران برطرف می‌شود. این نیازها طیفی از نیازهای اقتصادی را شامل می‌شود، مانند پول، امکانات مادی تا نیازهای اجتماعی - احساسی نسبتاً انتزاعی مانند توجه و احترام شخصی. عدالت به افراد معیارهایی برای قضاوت می‌دهد اینکه آیا این نیازها در محیط اجتماعی اغلب پیچیده، برآورده می‌شود (Lukes, 1973: 89). راسینسکی بر این باور است که عدالت اجتماعی ادراک شده و جهت‌گیری درک عدالت به زندگی اجتماعی، نشان‌دهنده دو دیدگاه تناسب و برابرخواهی است که از طریق چهار رویکرد فردگرایی اقتصادی، انصاف، برابری و نیاز بیان می‌شود. تناسب نشان‌دهنده تمایل افراد به پاداش دادن به افرادی از

جامعه است که در پیشرفت جامعه نقش دارند؛ و به افرادی که در این پیشرفت نقشی نداشته‌اند پاداشی تعلق نگیرد. برابری خواهی نشان‌دهنده دسترسی برابر به خدمات و امکانات اساسی و رفتار یکسان با همه افراد جامعه و توزیع مجدد ثروت است (به نقل از ابراهیم‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۳).

۲.۲. سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی

عمل تخصیص ارزش‌ها و منابع به افراد جامعه در دو روند توزیع و بازتوزیع صورت می‌گیرد. در کشورهای دارای اقتصاد بازار آزاد و با کمترین دخالت دولت در اقتصاد، عمده ارزش‌ها و منابع در بازار و از طریق سازوکار عرضه و تقاضا توزیع می‌شود. در صورتی که فرایند بازار نتواند به‌خوبی روند توزیع را ایجاد کند و در برخی حوزه‌ها نابرابری در وضعیت مردم ایجاد شود و شکاف‌هایی شکل گیرد، دولت در جایگاه ناظر و کنشگر مداخله‌گر در فرایند بازار دخالت می‌کند و از طریق تدوین و اجرای سیاست‌هایی به بازتوزیع ارزش‌ها و منابع در جامعه می‌پردازد. در این شرایط سیاست‌های بازتوزیعی تدوین و اجرا می‌شود (ر.ک. کلارک، ۱۳۸۹: ۳۵-۲۰). اما، در کشورهایی که بخش عمده اقتصاد در اختیار دولت قرار دارد، به‌ویژه در کشورهای دارای اقتصاد رانتی که عمده درآمدها و منابع از طریق رانت در جامعه توزیع می‌شود، توزیع از طریق سازوکارهای دولتی و به‌عبارتی سیاست‌های توزیعی صورت می‌پذیرد. از این‌رو، در این کشورها سیاست‌های توزیعی نقش بسیار پررنگی دارد.

سیاست‌های توزیعی عبارت است از سیاست‌هایی که دولت در اقتصادهای دولتی برای توزیع ارزش‌ها در جامعه اتخاذ می‌کند و دولت در این بعد، به‌جای بازار عملکرد، بازار در توزیع ارزش‌ها و منابع را دنبال می‌کند (Kuhlmann & Blum, 2021: 3). اما، در شرایطی که سازوکار توزیع به‌شدت ناکارآمد باشد و شکاف و نابرابری زیاد و غیرقابل‌تحملی در جامعه ایجاد کند، دولت و سیاست‌گذاران مجبور می‌شوند به بازتوزیع منابع در برخی حوزه‌ها مبادرت کنند. در این وضعیت شاهد تدوین و اجرای سیاست‌های بازتوزیعی هستیم. به‌طور کلی، مراد از سیاست‌های بازتوزیعی همان عدالت بازتوزیعی است که در حمایت یا نقد آن نظریه‌های گوناگونی بیان شده است. ارزیابی سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی در جامعه، به‌طور کلی از دو طریق انجام می‌شود: یا از طریق آمار و ارقام وضعیت اقتصادی-اجتماعی در آن جامعه، یا از طریق وضعیت ادراکی افراد از شرایط کلی حاکم بر جامعه. از آنجاکه در این تحقیق تأکید اصلی بر ادراک افراد از وضعیت

عدالت و تأثیرات سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی دولت‌های بعد از انقلاب است، متون نظری تحقیق پیرامون مفهوم عدالت و عدالت ادراک شده سامان یافته است.

۳.۲. بی تفاوتی سیاسی

بی تفاوتی را می‌توان به معنای کناره‌گیری و فقدان مشارکت در حد انتظار و نوعی احساس جدایی و نفس آن و عدم پیوند ذهنی شناختی و عینی کنشی میان فرد و جامعه نهادها و ساختارهای اجتماعی مانند خانواده، مذهب و سیاست در نظر گرفت. ساث‌ول (۲۰۰۳) بر این باور است هرچقدر افراد جامعه احساس بی‌اثر بخشی بیشتری در فراگردهای اجتماعی—سیاسی داشته باشند، احتمال بیشتری برای بی تفاوتی و بیگانگی آن‌ها در عرصه اجتماعی وجود دارد (به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۱۵). از این رو، می‌توان کناره‌گیری و سهیم‌نشدن در مسائل سیاسی، دلسردی و بی‌علاقگی به مسائل سیاسی، عدم‌درگیری مدنی در جایگاه شهروندی، و بی‌اعتنایی به موضوع‌های سیاسی را مهم‌ترین مؤلفه‌های بی تفاوتی سیاسی در نظر گرفت.

کاپلان و بنیامین سادوک (۱۳۷۵: ۲۹) آن را نداشتن احساس درونی و عاطفه و بی‌علاقگی به درگیری هیجانی با محیط خود تعریف می‌کنند (به نقل از مسعودنیا: ۱۳۸۰). بهترین تعریفی که می‌توان از بی تفاوتی سیاسی کرد تعریف آن در مقابل مفهوم مشارکت و درگیری است. بی تفاوتی یعنی عزلت‌گزیدن و فقدان مشارکت در حد انتظار. در فرهنگ علوم سیاسی، بی تفاوتی سیاسی این‌گونه تعریف شده است: کمبود علاقه به سیاست یا احساس نداشتن تعهد سیاسی و نداشتن درک از مسائل که اساساً ریشه اجتماعی دارد و ترس از ایجاد درگیری، بزرگ‌ترین دلیل آن است. بی‌اعتنایی صورت‌ها و دلایل مختلفی دارد: بی‌علاقگی به سیاست به این دلیل که تصور می‌شود سیاست فقط مربوط به گروه‌های کوچک و برگزیده مردم است و بیشتر مردم نمی‌توانند در آن نقشی داشته باشند؛ تصور اینکه دولت و سیاست به منظور برقراری نظم اجتماعی ایجاد شده است تا مردم در پناه آن بتوانند به امور خود بپردازند؛ مخالفت کردن با سیاست و مردود شمردن نظام‌های سیاسی در مواقعی که فرد نیروی خود را برای دخالت در آن کافی نمی‌داند (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۹: ۵۱). نداشتن رضایت از وضع خود و دیگران احساس بی‌قدرتی و نارضایتی از برخی سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی نشانه‌ای از وجود این شکاف است که مانع از هم‌دلی در تمامی موارد می‌شود (مدنی، ۱۳۹۰: ۱۲).

بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار بیشتر دربرگیرنده بی تفاوتی و عزت در کنش سیاسی افراد است که در شمال و سطوحی چون عدم مشارکت در انتخابات، عدم عضویت در احزاب، عدم شرکت در همایش‌ها و سخنرانی‌ها، و بی‌علاقگی به نوشتن مقالات سیاسی نمود پیدا می‌کند (Yoo, 2010: 165).

۳. روش‌شناسی

۱.۳. جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش، بررسی پیمایشی است. از نظر هدف، بررسی کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی و تربیت مدرس در گرایش‌های مختلف هستند. از نظر مکانی، جامعه آماری دانشکده‌های مستقر در شهر تهران را شامل می‌شود. در این پژوهش، برای تعیین نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است، بادقت برآورد حداکثر اشتباه مجاز (d) معادل ۰/۰۵، و ضریب اطمینان ۰/۹۵.

۲.۳. ابزارهای تحقیق

در این پژوهش، دو پرسشنامه عدالت ادراک‌شده و بی‌تفاوتی سیاسی، ابزار گردآوری داده استفاده شد. پرسشنامه عدالت ادراک‌شده گویه‌هایی درباره عدالت ادراک‌شده و ابعاد مختلف آن را شامل می‌شد. برای تهیه این پرسشنامه، از سؤال‌های ترکیبی استفاده شد؛ بدین معنا که برخی سؤال‌ها از پرسشنامه‌های آزمون‌شده در پژوهش‌های داخلی و خارجی تهیه شد مانند پرسشنامه عدالت توزیعی پرایس و مولر (Price & Mueller, 1986)، محمدی (۱۳۹۴)؛ و چند سؤال هم با توجه به ماهیت پژوهش، محقق تهیه کرده است.

پرسشنامه بی‌تفاوتی سیاسی شامل گویه‌هایی است، درباره بی‌تفاوتی سیاسی و ابعاد مختلف آن. برای تهیه پرسشنامه بی‌تفاوتی سیاسی از پرسشنامه‌های به‌کار رفته در تحقیقات رحیمی (۱۳۹۲)، میرزاده قصابه (۱۳۹۵) و میرزایی (۱۳۹۹) استفاده شد.

۳.۳. روش پژوهش

بر اساس روش، جمع‌آوری داده‌ها به دو دسته تحقیقات اسنادی و میدانی تقسیم می‌شود. در روش اسنادی، پژوهشگر با استفاده از اسناد و مدارک، به مطالعه موضوع مورد تحقیق می‌پردازد. تحلیل‌های ثانویه که بر داده‌های آماری و پژوهش

پیمایشی انجام می‌گیرد جزء تحقیقات اسنادی محسوب می‌شود. اما، در این روش پژوهشگر، با استفاده از روش‌های مختلف کمی و کیفی، به میدان تحقیق رفته و به‌طور مستقیم با جامعه یا واحدهای سنجش سروکار داشته است (حبیب‌پور گتایی و صفری‌شالی، ۱۳۹۰). در این تحقیق، هم از روش کتابخانه و اسنادی و هم از روش میدانی استفاده شده است. برای گردآوری متون پژوهش و متون نظری تحقیق از روش اسنادی و کتابخانه استفاده شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از جامعه آماری با استفاده از پرسشنامه، روش میدانی به کار رفت. در این پژوهش، از پرسشنامه بسته و از مقیاس لیکرت استفاده شد. پژوهش حاضر، از نوع مطالعات هم‌بستگی است. طرح آن با توجه به روش جمع‌آوری داده‌ها، از نوع پس‌رویدادی است.

۴. یافته‌ها

در مسئله ادراک از نتایج سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی، نتایج نشان می‌دهد دانشجویان در هر بُعد از عدالت، ادراک متفاوتی دارند و نوع برداشتی که دارند به یکی از گرایش‌های حوزه عدالت نزدیک است؛ بدین معنا که دانشجویان در بُعد تناسب به مسئله شایستگی در توزیع امکانات اهمیت می‌دهند و معتقدند که باید امکانات بدون توجه به جایگاه سیاسی و اجتماعی افراد توزیع شود. به همین دلیل معتقدند که بر اساس معیار شایستگی و استحقاق نیست که منابع موجود در جامعه، مانند شغل و امکانات رفاهی، توزیع شده است و احساس بی‌عدالتی می‌کنند. در بُعد تناسب، دانشجویان نابرابری موجود را ناشی از شایستگی نداشتن افراد، تلاش نکردن و تفاوت در استعداد نمی‌بینند و بر این باور هستند که در توزیع منابع، به این معیارها در جامعه توجه نشده است و افراد شایسته متناسب با استعداد و تلاش خود به آنچه استحقاق آن را دارند دست نمی‌یابند. این خود نماد وجود بی‌عدالتی در جامعه است. بنابراین، دانشجویان زمانی توزیع را در جامعه عادلانه تلقی می‌کنند که منابع بر اساس شایستگی و استحقاق افراد توزیع شود. بررسی آماری به خوبی نشان می‌دهد که در بُعد تناسب عدالت ادراک شده، پاسخ‌دهندگان این ادراک را دارند که علت اصلی نداشتن رفاه برای برخی افراد در جامعه به دلیل نداشتن استعداد و تلاش نداشتن آن‌ها نیست.

در بُعد برابری عدالت ادراک شده از سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی، در درجه نخست در حوزه فردی و خصوصی مانند بُعد تناسب، ۵۴ درصد دانشجویان با توزیع برابر امکانات و امتیازات بدون توجه به شایستگی و تلاش افراد مخالف

هستند و این نوع برابری را مناسب و عادلانه نمی‌دانند. در مقابل، تنها ۲۶ درصد دانشجویان با توزیع امکانات بدون در نظر گرفتن میزان تلاش آن‌ها در جامعه موافق هستند. اما، درباره توزیع خدمات آموزشی و بهداشتی، ۶۲ درصد دانشجویان بر این باور هستند که بهتر است دولت این نوع خدمات را به‌طور برابر در تمام کشور توزیع کند. تنها ۲ درصد به‌طور میانگین با توزیع خدمات رایگان دولت در این حوزه‌ها برای همگان مخالف بودند. به‌عبارتی، اگرچه دانشجویان توزیع برابر امکانات را در بعد خصوصی، بدون توجه به تلاش افراد، ناعادلانه و نادرست تلقی می‌کنند، در حوزه عمومی معتقد هستند که دولت باید امکانات بهداشتی و آموزشی را به‌طور برابر توزیع کند و این نوع توزیع را عادلانه تلقی می‌کند.

در بعد مقایسه‌ای عدالت ادراک شده که پژوهشگر به دنبال فهم میزان شکاف و تفاوت ادراک و برداشت ذهنی افراد با واقعیت بوده است، نتیجه جالبی به دست آمد. دانشجویان، در مقایسه وضعیت توزیع و بازتوزیع بعد از انقلاب با قبل از انقلاب، احساس می‌کنند که وضعیت توزیع بعد از انقلاب بسیار بدتر شده است و این نوعی احساس بی‌عدالتی را برای آنان در پی دارد. همچنین، در سطح بین‌کشوری نیز وضعیت توزیع را، در مقایسه با کشور ترکیه و آمریکا، به شدت نامناسب و ناعادلانه تلقی کرده‌اند، به‌گونه‌ای که طبق داده‌های توصیفی تحقیق، حدود ۷۴ درصد دانشجویان توزیع در ایران را بدتر از آمریکا و ترکیه می‌دانند. حدود ۵۴ درصد دانشجویان نیز در مقایسه با ۲۲ درصد فکر می‌کنند که قبل از انقلاب توزیع منابع بهتر بوده است، در صورتی که ضریب جینی تا یک سال قبل از انقلاب نزدیک به ۴۴ درصد بوده است. از نظر شاخص اقتصادی و داده‌های آماری، وضعیت توزیع امکانات بعد از انقلاب و در مقایسه با ترکیه و آمریکا وضعیت بهتری داشته است. از این‌رو، ادراک افراد با داده‌ها بسیار متفاوت است. این ممکن است ناشی از تأثیر رسانه‌ها بر ادراک افراد بوده باشد. در ادامه، در مقایسه بین ادراک دانشجویان و آمار موجود در این بعد، به‌خوبی شکاف نشان داده می‌شود.

در بعد ادراک از سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی سعی شد از فضای نظری کمی دور شویم و نتایج چند مورد از سیاست‌هایی بازتوزیعی، همچنین کارایی برخی نهادها را ارزیابی کنیم. در این بعد، ادراک دانشجویان با وضعیت واقعی در جامعه هم‌خوانی بیشتری داشته و گویا ادراک آن‌ها از نتایج سیاست‌ها و کارایی نهادها ملموس‌تر بوده است. ادراک دانشجویان از سیاست‌هایی مانند توزیع یارانه‌ها، توزیع درآمد بین افراد، نشان می‌دهد که به‌طور میانگین ۷۲ درصد توزیع

را نامناسب می‌دانند و تنها ۱۰ درصد این شیوه توزیع را عادلانه تلقی می‌کنند. در حوزه امکانات بهداشتی و آموزشی، ۹۰ درصد افراد بر این باور هستند که توزیع این امکانات در کشور ناعادلانه است. در نتیجه، احساس بی عدالتی می‌کنند. تنها ۵ درصد باور دارند که توزیع امکانات بهداشتی و آموزشی در کشور عادلانه است. از این رو، بر این باور هستند که سیاست‌ها و برخی نهادهایی که به دنبال کاهش نابرابری‌ها و شکاف اقتصادی-اجتماعی در جامعه بوده‌اند ناکارآمد هستند و فضا را ناعادلانه تصور می‌کنند.

در ادامه برای تبیین بهتر نتایج، رابطه هر بُعد از عدالت ادراک شده با بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار بررسی شده است.

۱.۴. رابطه بعد تناسب و بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار

همان گونه در جدول ۱ مشخص شده است بین بعد تناسب عدالت ادراک شده و بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار رابطه معنادار و منفی وجود دارد. در بعد تناسب ادراک از عدالت، دانشجویان توزیع و بازتوزیع امکانات و منابع را بر اساس شایستگی، استعداد و تلاش افراد ناعادلانه تلقی می‌کنند. با افزایش حس بی عدالتی، تمایل برای مشارکت در حزب و حمایت از جناحی سیاسی، شرکت در انتخابات و شرکت در هر گونه فعالیت سیاسی مسالمت‌آمیز و غیرمسالمت‌آمیز کاهش پیدا می‌کند. در مقابل، در صورتی که حس بی عدالتی کاهش پیدا کند، احتمالاً تمایل برای عضویت در حزب و طرفداری از جناحی سیاسی، و تمایل به شرکت در فعالیت‌های سیاسی مسالمت‌آمیز افزایش پیدا می‌کند و تمایلی به تحریم انتخابات دیده نمی‌شود. گرچه همان گونه که در رابطه میان بعد تناسب و بی تفاوتی در سطح افکار گفتیم، برخی افراد ممکن است به واسطه علقه مذهبی-ایدئولوژیکی به نظام سیاسی، ولایت فقیه یا حتی مسئله ملی‌گرایی با نادیده گرفتن توزیع نابرابر در کشور، همچنان به حمایت از جناحی سیاسی، حزب و شرکت در فعالیت سیاسی مسالمت‌آمیز علاقه‌مند باشند. در مقابل، برخی دانشجویان مخالف نظام، حتی با افزایش بهبود وضعیت توزیع و کاهش نابرابری‌ها، به دلایل سیاسی هیچ رغبتی به حمایت از جناح‌های سیاسی و حزب نداشته باشند و از تحریم انتخابات دفاع کنند. با این حال، در وجه غلب، با توجه به داده‌ها، به ویژه در بعد توصیفی، میان عدالت ادراک شده در بعد تناسب و بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار رابطه وجود دارد. بهبود توزیع منابع از طریق کارآمدی سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی ممکن است به کاهش بی تفاوتی سیاسی کمک کند.

جدول ۱. همبستگی بعد تناسب و بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار

متغیر	بعد تناسب
همبستگی پیرسون	-۰/۲۸۵
بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار	سطح معناداری تعداد
	۰/۰۰۰ ۳۸۳

۲.۴. رابطه بعد برابری و بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار

طبق نتایج در جدول ۲، بین بعد برابری عدالت ادراک شده و بی تفاوتی در سطح رفتار رابطه معنادار و مثبتی وجود ندارد و فرضیه پژوهشگر که احتمال می داد بین بعد برابری و بی تفاوتی در سطح رفتار رابطه وجود دارد تأیید نشد.

جدول ۲. همبستگی بعد برابری و بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار

متغیر	بعد برابری
همبستگی پیرسون	-۰/۰۰۹
بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار	سطح معناداری تعداد
	۰/۸۶۹ ۳۸۳

۳.۴. رابطه بعد مقایسه‌ای و بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار

همان گونه در جدول ۳ مشخص شده است، بین عدالت ادراک شده در بعد مقایسه‌ای و بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار رابطه معنادار و منفی وجود دارد. از این رو، با افزایش احساس بی عدالتی از توزیع امکانات و منابع در مقایسه با حکومت پهلوی یا توزیع در سایر کشورها افراد برای عضویت در حزب، و طرفداری از جناح تمایل کمتری دارند و بیشتر به تحریم انتخابات و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی مسالمت‌آمیز گرایش می‌یابند. در مقابل، در صورتی که ادراک از عدالت در بعد مقایسه‌ای با افزایش عدالت از وضعیت توزیعی و باز توزیعی در مقایسه با قبل از انقلاب و سایر کشورها همراه باشد، میزان بی تفاوتی سیاسی در بعد رفتار کاهش پیدا می‌کند. گرچه در این رابطه نیز، مانند موارد قبل، مسئله علقه مذهبی-ایدئولوژیکی به نظام سیاسی، ولایت فقیه یا حتی مسئله ملی‌گرایی و مخالفت سیاسی با نظام مؤثر است و احتمالاً بر نتایج تأثیر می‌گذارد، به گونه‌ای که علاقه‌مندان به نظام سیاسی و ولایت فقیه در قدم نخست، حتی اگر وضعیت توزیع در مقایسه با قبل از انقلاب یا کشورهای مثل آمریکا بسیار بد باشد، به دلیل مخالفت‌های سیاسی و اندیشه‌ای با حکومت پهلوی و یا آمریکا، همچنان به طرفداری از جناح سیاسی و

حزب مورد علاقه‌شان ادامه می‌دهند و به هیچ‌وجه به تحریم انتخابات و عبور از رفتارهای مسالمت‌آمیز سیاسی فکر نمی‌کنند. در مقابل، برخی افراد دارای روحیه ملی‌گرایی، ممکن است، به دلیل نگاه مثبت به دوران پهلوی، حتی در صورت بهبود وضعیت توزیع، همچنان دوران قبل انقلاب را دوران طلایی بدانند و به طرفداری از احزاب و جناح‌های موجود در ساحت سیاسی جمهوری اسلامی تمایل نداشته باشند و همواره انتخابات را تحریم کنند. افرادی که جزو مخالفان جمهوری اسلامی هستند همواره در منتهی‌الیه طیف بی‌تفاوتی سیاسی در سطح رفتار قرار می‌گیرند. باوجوداین، در وجه غالب می‌توان گفت بهبود احساس ادراک از عدالت در بعد مقایسه‌ای ممکن است به کاهش بی‌تفاوتی سیاسی منجر شود.

جدول ۳. همبستگی بعد مقایسه‌ای و بی‌تفاوتی سیاسی در سطح رفتار

متغیر	بعد مقایسه‌ای
همبستگی پیرسون	-۰/۳۸۹
بی‌تفاوتی سیاسی در سطح رفتار	سطح معناداری
	تعداد
	۳۸۳

۴.۴. رابطه عدالت ادراک شده از سیاست‌های توزیعی - باز توزیعی و بی‌تفاوتی سیاسی در سطح رفتار

طبق نتایج در جدول ۴، بین ادراک از سیاست‌های توزیعی - باز توزیعی و بی‌تفاوتی سیاسی در سطح رفتار رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. از این رو، مشخص شد بین برخی سیاست‌های توزیعی و باز توزیعی، مثل یارانه‌ها و امکانات آموزشی، و کارایی برخی نهادها، مانند بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره)، درباره کاهش نابرابری‌ها و بی‌تفاوتی در سطح رفتار رابطه مثبت و معناداری وجود دارد: هرچه سیاست‌های توزیعی و باز توزیعی در حوزه یارانه، امکانات و خدمات بهداشتی و آموزشی و نهادهای متولی، مانند بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره)، ناکارآمدتر باشد، میزان طرفداری دانشجویان از حزب و جناح کاهش پیدا می‌کند و تمایل بیشتری برای تحریم انتخابات دارند. از طرف دیگر، سعی می‌کنند از مشارکت در هرگونه فعالیت سیاسی مسالمت‌آمیز، حتی غیرمسالمت‌آمیز دوری کنند. در مقابل، بهبود عملکرد نهادها در توزیع و باز توزیع، همچنین مؤثر بودن سیاست‌ها به کاهش احساس بی‌عدالتی منجر می‌شود و دانشجویان به طرفداری از حزب و جناح سیاسی و مشارکت در انتخابات تمایل بیشتری می‌یابند.

جدول ۴. هم‌بستگی ادراک‌شده از سیاست‌های توزیعی - بازتوزیعی و بی‌تفاوتی در سطح رفتار

متغیر	ادراک از سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی و بی‌تفاوتی	
بی‌تفاوتی سیاسی در سطح رفتار	هم‌بستگی پیرسون	۰/۲۶۰
	سطح معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۸۳

بیان این نکته نیز ضروری است که در این بخش باز هم متغیرهایی مانند گرایش فکری افراد از نظر اقتصادی (لیبرال یا سوسیالیست بودن)، علقه مذهبی، ایدئولوژیکی به نظام سیاسی، ولایت فقیه یا حتی مسئله ملی‌گرایی ممکن است مؤثر باشد؛ بدین معنا که افرادی که از نظر تفکر اقتصادی طرفدار لیبرالیسم باشند در گام نخست، توزیع یارانه‌ها را نادرست قلمداد می‌کنند؛ در مرحله بعد، ممکن است درباره کارآمدی یا ناکارآمدی آن نظری نداشته باشند و بخواهند در کنش سیاسی خود آن را لحاظ کنند؛ همچنین، ممکن است با وجود غلط‌دانستن این رویکرد، در عرصه سیاست به شدت فعال باشند یا به دلایل دیگر تمایلی به مشارکت نداشته باشند.

همچنین، دانشجویانی که از نظر مذهبی و ایدئولوژیکی طرفدار نظام هستند ممکن است در درجه نخست، توزیع یارانه و عملکرد نهادهای توزیع‌کننده را مثبت تلقی کنند و تمایل آن‌ها برای کنشگری افزایش یابد یا حتی در صورت ناکارآمد دانستن سیاست‌ها و نهادها، همچنان به دلیل علقه‌ای که به نظام دارند، در ساحت سیاسی حضور فعالی داشته باشند و از جناح سیاسی خود طرفداری کنند. برخی افراد نیز گرچه ممکن است در اقلیت باشند، به خاطر ایران حتی با وجود نقد جدی به ناکارآمدی سیاست‌ها و نهادها در توزیع و بازتوزیع منابع، به تحریم انتخابات و ترک صحنه سیاسی مبادرت نکنند. گرچه باز هم می‌توان گفت نتایج نشان می‌دهد بین ادراک از سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی و کارایی نهادهای متولی و بی‌تفاوتی سیاسی در بعد رفتار رابطه وجود دارد و کارآمدی سیاست‌ها و نهادها در توزیع و بازتوزیع ممکن است بی‌تفاوتی سیاسی در سطح رفتار را افزایش دهد.

۴.۵. رابطه بین تمام ابعاد عدالت ادراک‌شده و بی‌تفاوتی سیاسی در سطح رفتار همان‌گونه که در بررسی رابطه تک‌تک ابعاد با بی‌تفاوتی در سطح رفتار گفتیم، برخی عوامل مانند علقه مذهبی، ایدئولوژیکی، تفکر اقتصادی و ملی‌گرایی ممکن

است در رابطه میان ابعاد عدالت ادراک شده (برابری، تناسب، مقایسه، ادراک از سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی) با بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار مؤثر باشد؛ اما، به طور کلی و در وجه غالب، رابطه میان این دو تأیید شده است. بررسی رابطه عدالت ادراک شده و بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار نشان می‌دهد که رابطه معنادار و منفی بین عدالت ادراک شده و بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار وجود دارد. از این رو، هرچه ادراک از بی عدالتی افزایش یابد، بی تفاوتی کاهش پیدا می‌کند و برعکس.

جدول ۵. هم‌بستگی ابعاد عدالت ادراک شده و بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار

متغیر	عدالت ادراک شده
هم‌بستگی پیرسون	-۰/۳۹۳
بی تفاوتی سیاسی در رفتار	۰/۰۰۰
سطح معناداری	۳۸۳
تعداد	

نتایج با آرای استرلین نیز هم‌خوانی دارد. استرلین استدلال می‌کند که جوانان در فرایند رسیدن به شغل و رفاه مورد نظر خود به ناکامی و سرخوردگی و بی تفاوتی سیاسی دچار می‌شوند و میزان بی تفاوتی و سرخوردگی در این نسل بسیار بیشتر است (ر.ک: مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۱۵۷-۱۵۸). در بعد برابری با نتایج حسونند (۱۳۹۵) هم‌خوانی دارد. در تحقیق حسونند مشخص شده است که بین نابرابری و بی تفاوتی جوانان رابطه وجود داشته است. نتایج با نظرات وربا و همکاران هم‌خوانی داشت. آن‌ها با توجه به نظرات اپتر و آندرین (۱۳۹۶) درباره رابطه میان درآمد و عدم مشارکت، بر این باور هستند که تناسب‌نداشتن کنش با پاداش و اعتقاد به بی تأثیر شدن افراد در مشارکت سیاسی می‌انجامد (Verba, 1996).

۵. نتیجه‌گیری

به طور کلی، میان وضعیت ادراک شده از سیاست‌های توزیعی - بازتوزیعی و بی تفاوتی سیاسی افراد در جامعه رابطه وجود دارد. گاه ممکن است این ادراک با وضعیت واقعی جامعه هم‌خوانی داشته و تفاوت زیادی با آن نداشته باشد. گاه ممکن است، به دلایلی، شکاف زیادی میان ادراک از وضعیت با واقعیت وجود داشته باشد. با وجود این، با توجه به اینکه از نظر آماری و شاخص‌های اقتصادی نیز

وضعیت توزیع منابع و امکانات در ایران چندان مناسب نیست و شکاف و نابرابری در مرکز و پیرامون وجود دارد، بی تفاوتی سیاسی افزایش یافته است. نتایج درباره رابطه میان ابعاد عدالت ادراک شده و بی تفاوتی سیاسی در بعد رفتاری نشان می دهد، در وهله نخست، دانشجویان از عدالت در بعد تناسب، برابری، مقایسه و ادراک از سیاست های توزیعی و بازتوزیعی ادراک ناعادلانه دارند. از نظر آن ها، این سیاست ها اهداف مورد نظر جمهوری اسلامی ایران را در تدوین و اجرای آن برای کاهش نابرابری و تحقق عدالت، محقق نکرده است. از این رو، احساس بی عدالتی می کنند.

طبق آمار توصیفی این پژوهش درباره مشارکت در عرصه سیاسی، ۵۰ درصد دانشجویان بیان داشتند که ترجیح می دهند از هرگونه فعالیت سیاسی، چه مسالمت آمیز و چه اعتراضی، دوری کنند. ۶۴ درصد دانشجویان به عضویت در حزب و حمایت از جناح سیاسی علاقه ای ندارند. ۴۰ درصد دانشجویان موافق تحریم انتخابات و تنها ۳۳ درصد مخالف تحریم انتخابات بودند. ۵۷ درصد دانشجویان به حضور در جنبش ها و شورش ها تمایلی ندارند. تنها ۱۳/۹ درصد دانشجویان به حضور در این عرصه تمایل نشان دادند. ۵۰ درصد نیز بیان داشتند که به حضور در اعتراض های صنفی تمایلی ندارند. تنها ۱۳/۸ درصد به حضور در اعتراض های صنفی تمایل داشتند.

طبق نتایج تحلیل تجربی داده ها، عموماً بین ادراک از عدالت و بی تفاوتی سیاسی در سطح رفتار رابطه معناداری وجود دارد. این نتایج نشان می دهد هرچه افراد درباره وضعیت توزیع در جامعه احساس بی عدالتی کنند، در سطح رفتار، به شرکت در فعالیت های حزبی و جناحی، انتخابات و جنبش و اعتراض بی تفاوت می شوند. بخش نخست رفتار که مربوط به فعالیت های حزبی و جناحی و مشارکت در انتخابات است تأیید کننده رابطه معنادار بی عدالتی و بی تفاوتی سیاسی در بعد رفتار است.

از نظر رابرت مرتن، چنانچه وسایل دستیابی به اهداف تعیین شده در جامعه متناسب و همسو باشد و افراد بتوانند بر اساس توانایی خود به اهداف خود برسند، رفتار مشارکت جویانه تر و فعال خواهند داشت؛ در صورتی که افراد بین اهداف و وسایل دسترسی به آن تناسبی نبینند و در مقایسه با بخش دیگر اجتماعی احساس نابرابری کنند، به بی تفاوتی سیاسی و اجتماعی دچار می شوند (Merton, 1968).

رحیمی خواه (۱۳۹۲) اثبات کرده است وضعیت اقتصادی نامطلوب بر بروز بی تفاوتی تأثیر دارد و شرایط نامساعد اقتصادی به بی تفاوتی سیاسی منجر می شود. همچنین، مشخص شد بین ادراک از بی عدالتی و بی تفاوتی سیاسی رابطه وجود دارد.

رضایی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند بین احساس عدالت اجتماعی و بی تفاوتی سیاسی رابطه معناداری هست.

نتایج این پژوهش با نتایج تحقیق محسنی تبریزی و صداقتی فرد (۱۳۸۷) همسوست. آن ها مشخص کردند بین محرومیت نسبی و بی تفاوتی سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، با نظر اینگلههارت (۱۳۷۳) هم خوانی دارد. او بیان کرد بی تأثیر بودن به لحاظ سیاسی بر میزان تمایل افراد به مشارکت در امور سیاسی تأثیر می گذارد. همچنین، با نتایج تحقیق گراسو و همکاران همسوست. آن ها مشخص کردند در دوران هایی که وضعیت اقتصاد بحرانی است، افراد احساس محرومیت نسبی بیشتری می کنند و این احساس باعث می شود به جای تحرک در وجه مثبت، به افسردگی دچار شوند (Grasso et al., 2019).

در نهایت، می توان گفت میان وضعیت ادراک شده از سیاست های توزیعی - بازتوزیعی و بی تفاوتی سیاسی دانشجویان مطالعه شده رابطه وجود دارد. گاه ممکن است این ادراک با وضعیت واقعی جامعه هم خوانی داشته و تفاوت زیادی با آن نداشته باشد. گاه ممکن است، به دلایلی، شکاف زیادی میان ادراک از وضعیت با واقعیت وجود داشته باشد. به لحاظ آماری و شاخص های اقتصادی، وقتی وضعیت توزیع منابع و امکانات در جامعه چندان مناسب نباشد و شکاف و نابرابری در مرکز و پیرامون پدید آید، بی تفاوتی سیاسی افزایش و حمایت از نظام کاهش می یابد. لذا، مسئولان باید برای توزیع مجدد منابع در کشور تدابیری بیندیشند. در مورد بی تفاوتی سیاسی و تمایل نداشتن دانشجویان برای حضور در اعتراض ها، حتی اگر ناشی از محافظه کاری آنان نباشد و کلاً رغبتی برای این امر نداشته باشند، این مسئله برای نظام سیاسی خطری بزرگ است که نشان از تعمیق و تسطیح بی تفاوتی سیاسی در میان نسل جوان دارد. در مواقع، نظام از جلب حمایت آنان برای کنشگری ناتوان خواهد شد.

راهبردهای پیشنهادی پژوهش

با وجود اینکه در این تحقیق بیشتر به جنبه پژوهشی و علمی برای تبیین و فهم مسئله توجه شده است، می توان به طور مختصر برخی پیشنهاد های سیاستگذارانه

را به شرح زیر مطرح کرد:

۱. با توجه به عدم توزیع امکانات و منابع طبق آمار و داده‌ها، همچنین ادراک بی‌عدالتی درباره سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی بعد از انقلاب، لازم است تا نظام سیاسی در جهت کاهش نابرابری اقدام‌های ویژه و لازم را تدوین و اجرا کند.
۲. از آنجاکه در برخی ابعاد ادراک از وضعیت از خود واقعیت بدتر نمود می‌کند، در بعد ادراکی، دستگاه‌های متولی باید با شفاف‌سازی و رفع ابهام‌ها از اذهان مردم، اقدام‌های شناختی را در دستور کار خود قرار دهند.
۳. نظام سیاسی باید بیشترین تمرکز خود را بر توزیع و بازتوزیع منابع بر اساس اصل استحقاق داشته باشد، چراکه نابرابری در این حوزه به شدت به تعمیق حس بی‌عدالتی منجر می‌شود.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- بررسی رابطه ادراک از عدالت و هم‌بستگی اجتماعی
- بررسی رابطه ادراک از عدالت و بحران مشروعیت و نفوذ
- بررسی رابطه عدالت اجتماعی و اقتصادی و مسئله حمایت از نظام سیاسی
- بررسی رابطه عدالت اجتماعی و اعتماد سیاسی
- بررسی رابطه فساد و سیاست‌های بازتوزیعی.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

اصول اخلاقی

نویسنده در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته است؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسنده است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته است.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر در خصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مکاتبه فرمایید.

منابع

- ابراهیم پور د، جوان پور ع، حسینی اصل و. (۱۳۹۴). «رابطه عدالت اجتماعی ادراک شده با میزان مشارکت شهروندان در توسعه یافتگی شهر تبریز». *مطالعات جامعه‌شناسی شهری*. ۵(۱۶): ۱۱۹-۱۴۶.
- اپتر دای، اندرین چف. (۱۳۹۶). *اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی*. ترجمه سعیدآبادی م. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اینگلهارت ر. (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. ترجمه وتر م. تهران: انتشارات کویر.
- آقابخشی ع، افشاری‌راد م. (۱۳۸۹). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: چاپار.
- آمودند گای، مونت رچی. (۱۳۸۱). «چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی». ترجمه طیب عر. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- حاتمی ع. (۱۳۸۹). «الگوی آونگی: چارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه مطالعات راهبردی*. ۱۳(۴۸): ۵-۳۲.
- حبیب‌پور گتایی ک، صفری‌شالی ر. (۱۳۹۰). «بازخوانی تجربه مدرنیته روستایی در ایران مطالعه موردی: روستاهای استان مرکزی». *رفاه اجتماعی*. ۱۱(۴۱): ۷-۳۷.
- حسنوند ر. (۱۳۹۵). *بررسی رابطه بین احساس نابرابری و بی‌تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان ۱۸ سال به بالای تهرانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا.
- رحیمی ف. (۱۳۹۲). *مطالعه عوامل بی‌تفاوتی سیاسی زنان ایرانی در مقایسه با مردان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و فرهنگ.
- رحیمی خواه ف. (۱۳۹۲). *مطالعه عوامل بیتفاوتی سیاسی زنان ایرانی در مقایسه با مردان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و فرهنگ.
- رضایی ف، چیت‌ساز م، شاهپور ب. (۱۴۰۰). «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی سیاسی با تاکید بر دینداری مورد مطالعه شهروندان شهر اهواز». *پژوهش‌های جامعه‌شناسی*. ۱۵(۱): ۷-۲۹.
- زائری تمبکی ع، جعفرنیا غر، پاسلارزاده ح. (۱۳۹۹). «بررسی ارتباط بین دینداری و احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شهر بندرعباس». *فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*. ۳(۲): ۲۳۸-۲۶۳. doi: <https://doi.org/10.30510/psi.2020.237620.1182>
- زیرک س. (۱۳۹۲). «تحلیل وضعیت پرداخت یارانه‌ها در ایران با تاکید بر آسیب‌شناسی سیاست‌های دولت در راستای اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ها». *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*. ۱(۱): ۷۹-۱۲۰. doi: [10.1017/S0022381609990545](https://doi.org/10.1017/S0022381609990545)
- عالم ع. (۱۳۹۴). *بنیادهای علم سیاست*. تهران: سمت.
- کلارک ب. (۱۳۸۹). *اقتصاد سیاسی تطبیقی*. ترجمه حاتمی ع. تهران: کویر.
- محسنی تبریزی عر. (۱۳۷۵). «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی: بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی-سیاسی». *نامه پژوهش*. ۱۱(۱): ۴۳-۷۱.
- محسنی تبریزی عر، صداقتی فرد م. (۱۳۸۷). «پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران:

مورد پژوهش شهروندان تهرانی». *جامعه‌شناسی کاربردی*. ۲۲(۴۳): ۱-۲۲. محمدی م. (۱۳۹۴). *احساس عدالت و رابطه آن با مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه هرمزگان در سال ۱۳۹۴*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان.

مدنی ج. (۱۳۶۶). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی*. ج ۴. تهران: سروش. مسعودنیا ا. (۱۳۸۰). «تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی». *نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*. مرداد و شهریور (۱۶۸ و ۱۶۷): ۱۵۵-۱۷۲. میرزاده قصابه ز. (۱۳۹۵). *کیفیت زندگی و تأثیر آن بر بی‌تفاوتی سیاسی در میان جوانان (مطالعه موردی: شهرستان مشکین‌شهر)*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا.

میرزایی ف. (۱۳۹۹). *تحلیل عوامل بی‌تفاوتی اجتماعی و سیاسی و راهکارهای مقابله با آن در نهج‌البلاغه*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، حسن اصغرپور، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد. نصیری ولیک‌بنی ف، بهشتی‌راد ر. (۱۳۹۳). «بررسی نقش سقف شیشه‌ای بر کاهش عدالت ادراک‌شده سازمانی». *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*. ۱۲(۴): ۱۴۹-۱۷۲. doi: 10.22051/JWSPS.2015.1498

- Al-Zu'bi HA. (2010). "A study of relationship between organizational justice and job satisfaction". *International Journal of Business and Management*. 5(12): 102. doi: 10.5539/ijbm.v5n12p102.
- Grasso MT, Karampampas S, Temple L, Yoxon B. (2019) "Deprivation, class and crisis in Europe: A comparative analysis". *European Societies*. 21(2): 190-213.
- Kiafar A. (1992). *Urban Land Policies in Post Revolutionary Iran, in Modern Capitalism and Islamic Ideology in Iran*. Edited by Bina C et al. London: Mac Milan Press.
- Kuhlmann J, Blum S. (2021). "Narrative plots for regulatory, distributive, and redistributive policies". *European Policy Analysis*. 2021: 276-302. <https://doi.org/10.1002/epa2.1127>.
- Merton RK. (1968). *Social Theory and Social Structure*. Newyork: free press.
- Moaddel M. (1991). "Class struggle in post revolutionary Iran". *Middle East Studies*. 23.
- Price J, Mueller CW. (1986). *Handbook of Organizational Measurement*. Marshfield, MA: Pitman.
- Verba S, Schlozman KL, Brady HE. (1996). *Voice and Equality: Civic Voluntarism in American Politics*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Walker H. (2022). *Why the move towards settled communities is changing Amazonian concepts of justice*. The London School of Economics and Political Science.
- Yoo S. (2010). "Two types of neutrality: Ambivalence versus indifference and political participation". *The Journal of Politics*. 72(1): 163-177. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1017/S0022381609990545>.